

بررسی گونه شناسی خانوادگی در " تبیین علی و مقایسه‌ای تجددگرایی و
رابطه آن با سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی "

(مطالعه موردی شهر تهران)

*دکتر عالیه شکرپیگی

تاریخ دریافت مقاله : ۸۹/۰۱/۱۴

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۰۶/۱۶

چکیده

خانواده به عنوان مهم ترین و اساسی ترین جایگاه امن انسانی به دلیل تحولات ناشی از پیامدهای مدرنیته و نو شدن جوامع بشری دچار تغییر و تحولاتی گشته است که در این میان جامعه ایران هم خالی از این دگرگونی نیست و به واسطه این تحولات، خانواده در دوره جدید، گونه هایی مختلف را در خود پذیرفته است و همچنین سرمایه اجتماعی این گونه های مختلف خانوادگی را متحول گردانیده است، در این مقاله، هدف اصلی تحقیق، شناسایی این گونه ها و مقایسه سرمایه اجتماعی خانواده ها در میدان تحقیق می باشد. روش تحقیق پیمایشی و اسنادی بوده است. فرضیات طراحی شده برای پژوهش فوق عبارت است از : ۱- تجددگرایی سنت مآبانه با حراست از سرمایه ی اجتماعی خانواده قرن است. ۲- تجددگرایی جدید و درحال گذار بزرگ ترین تأثیر را بر کاهش سرمایه ی اجتماعی خانواده ی ایرانی به جای گذاشته است. ۳- تجددگرایی پسامدرن موجب افزایش سرمایه ی اجتماعی خانواده ی ایرانی می شود.

بررسی نتایج به دست آمده گویای به وجود آمدن گونه های مختلف خانواده در جامعه ایران بوده است، هم چنین نتایج به دست آمده نشان داد، بین میزان تجددگرایی و سرمایه ی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. لازم به یادآوری است که برای ساختن مقیاس ها از آرای نظری صاحب نظران رویکرد دیالکتیکی بودن پدیده های اجتماعی و همچنین آرای صاحب نظران حوزه سرمایه اجتماعی (پاتنام، کلمن، پورتس، بوردیو، گوشال، پتری راسکانن) استفاده گردیده است. قابل ذکر است که چارچوب نظری پژوهش، رویکردی تلفیقی می باشد. واژگان کلیدی: سنتی، مدرن، درحال گذار، پسامدرن، گونه شناسی خانواده، سرمایه اجتماعی.

مقدمه و طرح مسأله

پیدایش فردگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی‌شدن جوامع انجامید، تأثیرات عمیقی بر رشد اندیشه‌ی اجتماعی داشت و تحولاتی را به خصوص در حوزه فرهنگی در جوامع بشری و بالاخص در خانواده‌ها بوجود آورد، از آن جمله، پیدایش گونه‌های مختلف خانواده، در اکثر نقاط دنیا بوده است، گذشته از پیدایش گونه‌های مختلف خانوادگی، سرمایه اجتماعی خانواده‌ها را هم متأثر ساخته است.

به این معنا که سرمایه‌ی اجتماعی یعنی: تغییرشکل دادن حمایت‌های اجتماعی خانواده، تنوع در شبکه‌های ارتباطی، که تنوع در نوع ارتباطات با همسایه‌ها، تنوع در شیوه‌ی دستیابی به اطلاعات و ارتباطات آن گونه که انسان‌ها را فارغ از زمان و مکان به هم وصل کرده، افزایش طلاق، افزایش حضور زنان در حوزه‌ی عملی، کاهش فرزندآوری، کم‌رنگ ساختن باورهای مذهبی خانواده‌ها، تغییر در نگرش‌های جنسیتی، چگونگی تغییر در شیوه‌ی گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها، انباشت سرمایه‌ی اجتماعی و به تبع آن رفتارهای دیگرخواهانه و داوطلبانه شهروندی در جامعه ایران که بر اثر تاریخی پرآشوب، مجال کافی برای تمرین دموکراسی و بسط حوزه عمومی نداشته با شکل مضاعفی روبرو است. در واقع، مقاطع مختلف تاریخ ایران، فرصت‌هایی برای ایجاد و به فعلیت درآمدن این رفتارها بوده است که با وجود ظهور و بروز مقطعی آن‌ها انباشت مستمری از این سرمایه که منجر به فرآیند مؤثر و پایداری از توسعه‌ی در جامعه شود، به سختی قابل بازشناسی است.

در هر صورت لازم است توجه کرد که در شرایط کنونی، خانواده‌ی ایرانی، با چالش‌های بسیار روبرو است. طبق این چالش‌ها، سطوح سرمایه‌ی اجتماعی خانواده را دستخوش تغییر کرده است. تغییراتی از قبیل: «تغییر تنش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، کاهش فرزندآوری» تغییر نگاه به همسر، مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده در جامعه، کم‌رنگ‌شدن باورهای مذهبی و کاهش اعتماد که به مجموعه‌ای از نقش‌های معارض انجامیده است، وضعیت تعارضی حوزه مطالعات خانواده در ایران را به طرح بحث فروپاشی خانواده، مضمیق ازدواج و طلاق کشانیده است». و به تعبیر یکی از جامعه‌شناسان در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچکدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. در خصوص این که ما چگونه درباره خود فکر می‌کنیم و

چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ‌های مختلف با سرعت‌های مختلف و با مقاومت‌های بسیار در حال پیشرفت است (گیدنز، ۱۹۹۹: ۱).

متحول شدن و تغییر در نهادهای اجتماعی، بالاخص نهاد خانواده، و پیدایش گونه‌های مختلف خانواده ریشه‌ای تاریخی دارد و درجه‌ای از تغییر در بستر اجتماعی جامعه متأثر شده از تجددگرایی قرار دارد و نمی‌توانیم همه تحول را ناشی از تجددگرایی غرب بدانیم. در حقیقت پیامد و مسأله بودن تجددگرایی بر ساختار اجتماعی خانواده‌ها از آن‌جا ضرورت تحقیق را جان می‌بخشد، که به نظر می‌رسد، پیامد فرآیند تجددگرایی در خانواده‌ها، پیدایش گونه‌ها و فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی خانواده می‌باشد، میزان افزایش استفاده از رسانه‌ها، تغییر در ارتباطات دختران و پسران، به وجود آمدن شکل‌های جدیدی از خانواده‌ها، تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها و... می‌باشد و در این راستا تغییر شکل یا فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها که ناشی از تجددگرایی و نوگرایی خانوادگی ایرانی می‌باشد، در روندی رو به رشد سیر صعودی خود را طی می‌نماید.

ضرورت این مسأله اجتماعی از آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که بر اساس آمار و اسناد، تجددگرایی در ایران بیشترین تبعاتش را در خانواده به جا گذاشته است و در حقیقت جهانی‌شدن و مدرنیته غرب پیامدهایی را در تجددگرایی ساختار اجتماعی خانواده‌ی ایرانی به جای گذاشته است. چنان که براساس گفته صاحب‌نظران، خانواده‌ی ایرانی را دچار بحران و تحول نموده‌اند و گونه‌های مختلفی را بوجود آورده است. در هر حال، تحولی که بذر انجام این تحقیق را در ذهنم کاشت که آیا تجددگرایی در خانواده‌های ایرانی با حراست از سرمایه اجتماعی خانواده، همراه بوده است؟ یا بالعکس؟ گونه‌های مختلف خانواده دارای چه میزان از سرمایه اجتماعی هستند؟ چرا آمار طلاق بیش از هر زمان دیگری است؟ چرا جوانان به قول دکتر تنهایی جامعه‌شناس ایرانی، دچار رهاشدگی و به قول گیدنز بی‌اختیاری شده‌اند؟ چه علل و عواملی تأثیرگذار بر شدت حرکت، بازاندیشی خانواده‌های ایرانی در کردار و عمل شده‌اند؟ این بازتابندگی‌ها به قول بلومر که در "کنش پیوسته انسان‌ها دچار ماندگی یا تازگی می‌شود" ناشی از چه علل و عواملی می‌باشد؟ اصلاً این پروسه چالش و بازتابندگی تا به کجا راهش را طی می‌نماید و در نهایت ما شاهد زوال خانواده‌ی ایرانی باشیم، شاهد پیدایش گونه‌های مختلف خانوادگی (سنتی، مدرن، درحال‌گذار و پست مدرن) باشیم، و همچنین شاهد فرسایش و تضعیف

سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها باشیم یا نه؟ پیامدهای مدرنیته غرب، تجددگرایی و نوگرایی را در نگرش‌های انسان‌ها و خانواده‌ها به وجود آورده است و در حقیقت آیا خانواده‌ی ایرانی در حال گذار است؟ واقعاً کدامیک؟ آیا پیدایش گونه‌های مختلف خانواده ایرانی واقعیتی است که بپذیریم؟ به نظر می‌آید که برای پاسخ به سوالات ضرورت دارد که، باید به نتایج به دست آمده از میدان تحقیق توجه کنیم.

پیشینه تحقیق:

در این قسمت، تلاش بر این است که به لحاظ اسناد و مدارک پژوهشی، اشاراتی چند به نتایج پژوهشی و مستندی که در این حوزه صورت گرفت، بکنیم تا ضرورت انجام این پژوهش بیشتر بر ما مشخص شود. هر چند در بررسی کتب، پایان نامه‌ها، مقالات و مجلات نتوانستیم مبحثی تحت عنوان گونه شناسی خانواده ناشی از تجددگرایی و اثرات آن بر سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ی ایرانی پیدا کنیم و لا از این جهت به نظر می‌رسد که موضوع این پژوهش پایان نامه از این جهت تازگی دارد که پژوهش‌های بسیاری در مورد وضعیت آسیب‌های خانواده، بحران خانواده یا بررسی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده (۲ مورد) صورت گرفته است ولی پژوهشی تحت عنوان یا نزدیک به این عنوان: گونه شناسی خانواده متأثر از تجددگرایی یا پیامدهای مدرنیته غرب بر چگونگی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ی ایرانی را نیافتیم و کلاً نتایج پژوهش‌های فوق بیانگر اهمیت و بحران و از هم گسیختگی در ساختار اجتماعی خانواده‌ی ایرانی بود و از این جهت که تأثیر مدرنیته غرب بر سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ی ایرانی را سنجند، تحقیقی یا پژوهشی یافت نشد و لذا امیدوارم نتایج این پژوهش بتواند کارگشا و کلید حل بسیاری از مشکلات خانواده تهرانی که به دلیل نمونه‌ها و قومیت‌های مختلف در شهر تهران به نظر می‌رسد نشانگر خانواده‌ی ایرانی باشد.

هم چنین در بررسی بنیان‌های سرمایه‌ی اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی که توسط خانم مریم یارمحمد توسکی و با در نظر گرفتن دو بنیان مهم، یعنی خانواده و شبکه‌های ارتباطی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده، گواه آن است که «میل به مشارکت‌های مدنی در بین جوانان بسیار نازل است (۱۹٪) و تمایل آن‌ها به اجتماعات بسته از جمله خانواده در این تحقیق اثبات شده است. در نتیجه کارکرد هر دو بنیان سرمایه‌ی اجتماعی در این تحقیق ضعیف ارزیابی می‌شود.

هم چنین میزان استفاده از وسایل الکترونیکی مانند اینترنت هم نشانگر تجددگرایی و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده بوده است، در این راستا به نتایج تحقیقی که تحت عنوان بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان و توسط علی محمد جوادی صورت گرفته است نگاهی می‌اندازیم. «میزان پذیرش اینترنت بر ارزش‌های خانواده تأثیر منفی داشت و هم چنین نتایج بیانگر این نکته است که هر چه اعضای خانواده وارد فضای صمیمیت در اینترنت شوند. این فضای صمیمیت در اینترنت باعث خواهد شد ارزش‌های خانواده کاهش یابد و در نتیجه هر چه میزان استفاده از وسایل الکترونیکی (تجددگرایی) در فضای خانواده بیشتر باشد فضای صمیمیت در خانواده کاهش می‌یابد (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

هنگام مطالعه پیرامون تجددگرایی و نوگرایی و مدرنیته و پیامدهای آن بر دیگر جوامع، پژوهش‌های انگشت‌شماری را مشاهده کردم که پیرامون این موضوع به تحقیق پرداخته بودند، البته پیرامون چیستی و چگونگی سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن در موضوعاتی مانند اعتماد، مشارکت، واحدهای تولیدی، انسجام وحدت بین هزینه مصرفی سرمایه‌ی اقتصادی استانی و... تحقیقاتی صورت گرفته بود ولی به طور ویژه، موضوعی تحت عنوان پایان‌نامه فوق، مشاهده نمودم. اما آن چه که برآیند مطالعات نظری و پژوهشی می‌باشد پیدایش گونه‌ها و تغییر و تحول و بحران در خانواده‌های ایرانی می‌باشد. حال این تغییر از نوگرایی است یا از پیامدهای مدرنیته غرب و جهانی شدن یا از بستر تحریف اجتماعی جامعه ما، هر حال کاربرد خانواده در ایران تضعیف شده است. به طوری که کارشناسان را به تحقیق پیرامون این موضوع وادار نموده است که آیا خانواده‌ی ایرانی دچار زوال شده است یا نه، تأثیرات گذار است که چنین تکانه‌هایی را بر ساختار اجتماعی خانواده در ایران به وجود آورده است یا تزامم نهادهای خانواده، دین و دولت؟ برای حفظ و حمایت خانواده چه باید کرد؟ زیرا در شرایط کنونی کمتر کسی است که باور به تغییر خانواده نداشته باشد. هم شواهد آماری وجود دارد و هم شواهد اجتماعی و فرهنگی. مسائلی مانند افزایش طلاق، آزادی روابط دختر و پسر در قبل از ازدواج، کاهش فرزندآوری، تضعیف حیات عاطفی خانواده، تأخیر در ازدواج یا مضیقه در ازدواج، تفسیر نگرش‌های جنسیتی، افزایش خشونت در خانواده‌ها، کاهش اعتماد در بین اعضای خانواده، میزان افزایش استفاده از رسانه‌هایی مانند تلویزیون، ماهواره و اینترنت که به کاهش فضای صمیمیت در خانواده انجامیده است و ده‌ها مشکل و مسأله

دیگر ضرورت انجام این تحقیق را به ما نمایان می‌سازد بالاخص، سخن از تأثیر فرآیند تجددگرایی بر سطوح سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌های تهران می‌باشد که نوگرایی در رفتار و گفتار و اندیشه در خانواده‌های تهرانی چه تأثیراتی را بر میزان مشارکت اعتماد اجتماعی خانواده، کانال‌های ارتباطی خانواده، حمایت‌های اجتماعی، افزایش سواد، دخالت دولت در وظایف خانواده، گسترش شهرنشینی، ایجاد عرصه‌های جدید اشتغال، فعالیت اجتماعی در روابط اقتصادی - اجتماعی و ... در نتیجه جریان و پروسه تجددگرایی در خانواده‌های تهرانی می‌باشد. در حقیقت «خانواده خود پدیده‌ای است که به بیان گورویچ هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردها^۱ «ساخته شدن»^۲، «از ساخت افتادن»^۳، «بازساختی شدن»^۴ برخوردار است. بنابراین هرگونه نگرشی به خانواده، بایستی نگرشی پویا و دیالکتیکی باشد (مهدی، ۱۳۵۴: ۶۴). و لذا برآیند و ماحصل مطالعات پیشین، آغازگر سؤال اصلی پژوهش می‌باشد. پیامدهای تجددگرایی بر سطوح سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ی ایرانی چیست؟ در حقیقت پروسه و فرآیند مدرنیته غرب چه تغییراتی بر سطوح سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ی ایرانی بر جای گذاشته است؟

چارچوب نظری مبتنی بر یک رویکرد تلفیقی (دیالکتیکی بودن پدیده‌های اجتماعی)

بر اساس این دیدگاه، پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های متصلب و خشک لامتغیری نیست. پدیده‌های اجتماعی ترکیبی از ذهنیت و معنا و غایت می‌باشد و هیچ‌گاه، به نهایت و اتمام نمی‌رسد. پدیده‌های ناتمامی که همواره در حال تغییر و شدن است، به‌خصوص این که پدیده‌های اجتماعی در یکدیگر تأثیر می‌گذارد و یکدیگر را مشروط و محدود می‌کند.

پس پدیده‌های اجتماعی در حال ترکیب است (بشیری، ۱۳۷۳: ۴). در حقیقت پدیده‌های اجتماعی و کنش‌های انسان‌ها، همواره در شدن و تغییر و بازنگری و تلفیقی دیالکتیکی می‌باشد و تبیین کنش، مهم‌ترین مسأله در عرصه جامعه‌شناسی است و رویکرد جامعه‌شناسان در برخورد با این مسأله در قالب دو سنت نظری عین‌گرایی^۵ و ذهن‌گرایی^۶

^۱ - processes

^۲ - Structuralization

^۳ - disstructuralization

^۴ - restructuralization

^۵ - bjectivism

^۶ - ubjectivism

قابل دسته‌بندی است که برآیند حاصل از رقابت این دو سنت متقابل در مفهوم دوگانه‌گرایی^۱ نهفته است. در حقیقت، حیات اجتماعی انسان‌ها در جدایی دیالکتیکی بین عینیت و ذهنیت معنا می‌یابد و در این جدال هرگونه تغییری و در هر شرایط خاص تاریخی، پیامدهایی خاص را به دنبال می‌آورد. در این پژوهش به دنبال چگونگی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌های تهرانی ناشی از میزان گرایش به نوگرایی و تجددگرایی می‌باشیم که معتقدیم پیامدهای تجددگرایی غربی در خانواده‌ی ایرانی و تأثیرش بر سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها در حقیقت یک جدال است. ارزش نو می‌آید و ارزش کهنه را کنار می‌زند و در این میان رابطه‌ها را تغییر می‌دهد و به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی را متزلزل می‌کند. اگر سرمایه‌ی اجتماعی را برآیند حاصل از هزاران کنش انسان‌ها در تعامل روزانه‌شان با هم بدانیم. لذا در چارچوب نظری به بررسی نظریات (۱) بوردیو (۲) گیدنز (۳) مید (۴) بلومر (۵) زیمل (۶) وبر (۷) پاتنام (۸) ولکاک (۹) جیمز کلمن (۱۰) پورترس می‌پردازیم که در حقیقت بررسی آرای صاحب‌نظران در این پژوهش، گویای این مطلب است که رویکرد تکاملی دیالکتیکی، دغدغه ذهنی کلاسیک‌هایی مانند وبر، تونیس، دورکیم و معاصرانی هم‌چون بوردیو، گیدنز، بلومز، پاتنام، ولکاک و... بوده است و بی‌تردید، این جنبه‌شدن و تکامل که در پدیده‌های اجتماعی وجود دارد، در همه‌ی جوامع بشری به نوعی پیام خودش را می‌رساند و پیامش ماندنی است. چون نیاز انسان در هر جامعه‌ای و در هر رابطه‌ای می‌باشد و لذا در هر دوره‌ای صاحب‌نظرانی به این مقوله می‌پردازند.

رقابت این دو سنت متقابل، زمینه را برای رویکرد سوم فراهم می‌آورد. رویکردی که ادعای فراوی از دوگانه‌گرایی را دارد. هسته این چارچوب نظری در مفهوم رابطه^۲ یا نسبت تلفیقی دیالکتیکی پدیده‌های اجتماعی نهفته است که در قالب کنش‌های سستی و مدرن این رابطه به وقوع می‌پیوندد.

به عبارت دیگر، توجه یک‌جانبه به هر وجه، نوعی ساده‌انگاری است. زیرا واقعیت، ماهیت برساخته^۳ دارد و از دیالکتیک ذهن و عین به وجود می‌آید. موافق با این رویکرد، در نظریه

^۱ - ualism

^۲ - elation

^۳ - onstructed

بورديو، نشانی از مفاهيم متعین یا به عبارت بهتر مفاهيم مستقل وجود ندارد، بلکه مفاهيم لازم و ملزوم یکدیگر است و در رابطه با هم معنا پیدا می کند.

بورديو با الهام از این رویکرد و با توسل به نظریه میدان در فیزیک، مبنی بر تصویر جهان به منزله جهان میدانها و نیرویی مختلف که ذرات در ذیل هر میدان، بنابر ویژگیهای خود از یک سوی و ویژگیهای میدان از سوی دیگر رفتار می کنند. مفاهيم نوبنیاد منش و میدان را جعل می کند و به تبیین کنش در چارچوب این نظریه می پردازد. در این نظریه، کنش پیامد رابطه بین منش و میدان است و قابل تقلیل به هیچ یک از آنها نیست (شوارتز، ۱۹۹۷: ۱۶۱). این وجوه، هستی مستقل نداشته است و دو بعد از یک واقعیت واحد را تشکیل می دهد. بدین ترتیب فهم نظریه عمل بورديو در گروه فهم مفاهيم نوبنیاد منش و میدان و رابطه دیالکتیکی آنها با یکدیگر است یعنی:

$$\text{عمل} = \text{میدان} + \text{منش}$$

در جای دیگر بورديو اشاره می کند که در رابطه دیالکتیکی ملکه و میدان، عمل به وجود می آید.

زیمل، یک ماهیت تقابلی و جدی و دیالکتیکی برای پدیدههای اجتماعی در نظر می گیرد. او هم چنین می گوید: کنش دوسویه واقعیت بخشیدن به یک واحد، یک جامعه یا یک جامعه پذیری است (استونز، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

رویکرد دیالکتیکی، در حقیقت گویای این است: «دیالکتیک یعنی تمامیتی که اجزای آن در تقابل های دوگانه و بیشتر نشان دهنده خصلت حرکت و تغییر و پویایی آن است. یعنی یک جامعه یا گروه اجتماعی - G. M. G - به همان میزان که منظم و ساختمند است، یعنی یک واقعیت تمام است که تمامیت آن نیز به اشتراک نیازها، راهها و اهداف اجزا برمی گشت به همان میزان نیز حامل و جامع تفاوت های حساس میان اجزاست. تفاوت های حساسی که اگر چه متفاوت اند، ولی با اشتراکات میان اجزا متفاوت، با هر درجه ای از تفاوت، هماهنگ شده است و یک کل تمام را تشکیل می دهد.

به این معنی، تمام جهان هستی و به مراتب جهان اجتماعی یا جامعه، یک دیالکتیک است (تنهایی، ۱۳۸۲: ۱۱۲-۱۱۱). به این نحو تمام جامعه شناسان نیز زمانی که حرکت، تغییر، گذار، تحول و هر گونه پویایی اجتماعی را بخواهند بفهمند یا تبیین کنند ناگزیر در شناخت این واقعیت دیالکتیکی درگیرند، چه نام این واقعیت را واقعیت دیالکتیکی بگذارند چه به یک هندسه دوتایی یا سه تایی باور پیدا کنند. پس همان گونه که در اصل تفکیک یافتگی

مشاهده شد، تغییر، تحول و تکامل جوامع یا گذار تفکیک‌یافتگی جوامع، یعنی تغییر و تحول منظم واقعیت‌های دوگانه و بیشتر. از این منظر، نهاد خانواده به مثابه یک جهان اجتماعی و یک نماد اجتماعی خود حاوی رویکردی دیالکتیکی می‌باشد. یعنی زاده کنش و واکنش‌های افراد و آن ماحصل، یک خود و یک سرمایه‌ی اجتماعی است».

سرمایه‌ی اجتماعی، در حقیقت زاده رویکردهای تعاملی دیالکتیکی در کنش و واکنش‌های افراد در جهان هستی، جهان اجتماعی و خانواده می‌باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان گسترده می‌شود.

سخن فوق را به گونه‌ای دیگر در سخنان آنتونی گیدنز مشاهده می‌کنیم، یکی از ویژگی‌های متمایز تجدد عبارت است از تأثیرات متقابل فزاینده بین دو حد «حد نهایی» برون مرزی و درون مرزی یا به عبارت دیگر، بین تأثیرات جهانی، از یک سو و گرایش‌های درونی از سوی دیگر» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵).

در حقیقت، در سخنان گیدنز دو حد نهایی برون مرزی و درون مرزی یعنی، همان «من» و «من اجتماعی» در جایگاه نظریه معرفتی مید و بلومر می‌باشد که بنابر نظریات بلومر، مید و گیدنز در «خود» پا به صحنه ظهور می‌گذارد و رفتار انسان‌ها را دچار بازتابندگی می‌کند. جدل خود که حاصل دیالکتیکی من و من اجتماعی در نظریات هربرت مید و بلومر می‌باشد و به گونه‌ای دیگر (در حد نهایی برون مرزی و درون مرزی در نظریه گیدنز بازیافت می‌شده) و به گونه‌ای دیگر هم در نظریات صاحب‌نظران سرمایه‌ی اجتماعی مشاهده می‌کنیم. نگاه کنید:

«پورتس (۱۹۹۸) سرمایه‌ی اجتماعی را توانایی کنشگران، در کسب سود بدلیل خاصیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سایر ساختارهای اجتماعی تعریف می‌کند. ویژگی ذاتی سرمایه‌ی اجتماعی در رابطه‌ای بودن آن و در تعامل یک ارتباط اجتماعی بین من و من اجتماعی به دست می‌آید. پورتس می‌گوید: «اگرچه سرمایه‌ی اقتصادی در حساب بانکی خود و سرمایه‌ی انسانی در دست اوست اما سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار روابط او قرار دارد. برای کسب سرمایه‌ی اجتماعی او بایستی با دیگران در ارتباط باشد و این ارتباط با دیگران منبع واقعی سود و انتفاع است».

«پتری راسکانن» ریشه‌های سرمایه‌ی اجتماعی را در سه سطح جستجو می‌کند که هر کدام دارای مولفه‌های چندی است: در سطح فردی (شامل عقلانیت آگاه و روشنفکرانه)،

در سطح اجتماع و هنجارهای بده‌بستان، شبکه‌های افقی و عمودی، در سطح جامعه (قانون، عدالت، تنظیم تضادها و ارتباطات باز و آزاد).

این منابع از طریق مکانیسم‌هایی چون اعتماد (اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادها) و ارتباطات (جریان اطلاعات، درک اطلاعات و مهارت‌های شناختی مشترک) منجر به دو پیامد عمده می‌شود الف) منافع مصرفی (خرسندی آتی حاصل از اعتماد و ارتباطات) و منافع اصلی (تسهیل همکاری، تنظیم فعالیت‌ها، کاهش هزینه‌ها، حمایت اجتماعی). تقسیم بندی مشابهی نیز توسط دیوید هالپرن صورت گرفته که در آن بین سطوح خرد، میان و کلان تمایز قائل می‌شود (ولکاک، ۱۹۹۸).

نهایت و گوشال نیز سه مؤلفه، برای سرمایه‌ی اجتماعی در نظر می‌گیرند: ۱) مؤلفه ساختاری «الگوهای غیرشخصی پیوندهای بین افراد، بخش سخت‌افزاری شبکه‌های اجتماعی: ۲) مؤلفه شناختی «منابعی که بازنمودها، تفاسیر و سیستم‌های مشترک معانی را فراهم می‌آورد». «در حقیقت همان جریان، I, Me, در اینجا تکرار می‌شود» ۳) مؤلفه رابطه‌ای «روابط شخصی مؤثر بر رفتار افراد که انگیزه‌های اجتماعی آن‌ها را ارضا می‌کند مثل احترام و دوستی، اعتماد و اعتبار نیز بخشی از این مؤلفه‌اند».

بررسی مباحث ذکر شده فوق درباره سرمایه‌ی اجتماعی هم به نوعی تعامل در روابط اجتماعی را نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی در حقیقت برآیند کنش و واکنش‌های روزانه انسان‌ها در جامعه می‌باشد که به صورت خودهای مختلف، خود را بازنمایی می‌کند گاهی به صورت مثبت و گاه منفی، در حقیقت جریان تجددگرایی با تأثیر به کنش‌های افراد (سرمایه‌ی اجتماعی آنان را در پاره‌ای از مواد تقویت، در پاره‌ای دیگر تضعیف و یا دچار فرسایش می‌کند) که بالطبع همین امر هم در خانواده‌ها به لحاظ حساس بودن و آسیب‌پذیری بیشتر به شدت تکرار می‌شود و در پاره‌ای از موارد به دلیل نداشتن انسجام و همیاری در روابط اعضای خانواده، آن‌ها را از درون دچار فروپاشی یا زوال و به عبارتی، دچار فرسایش و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی می‌کند.

هم چنین پوتنام مهم‌ترین نظریه‌پرداز سرمایه‌ی اجتماعی که بیش از یک دهه نظریاتش در دانشگاه‌های آکادمی روز دنیا و در مطالعات بین رشته‌ای مورد استفاده واقع می‌شده است «سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند، که ارتباطات را تسهیل می‌کند و هم چنین همکاری کردن را برای سود متقابل، تعریف می‌کند که نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی می‌باشد و در حقیقت به نظر پوتنام، سرمایه‌ی اجتماعی،

روابط بین افراد - شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی‌ای که از این طریق حاصل می‌شود - می‌باشد.

به اعتقاد جیمز کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی، بخشی از ساختار اجتماعی است که به کششگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌اجراهایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده، یا منع می‌شوند. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر متفاوت است که دو ویژگی مشترک دارد. تمام این عناصر با برخی از جوانب ساختار اجتماعی بوده است و برخی از کنش‌های افراد واقع در درون ساختار را تسهیل می‌نمایند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه «خانواده» عمل نماید. کلمن وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌اجراهای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند.

به اعتقاد کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به سه شکل در خانواده حاضر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. دوم، ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم نمود. سوم، وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت‌اجرائی مؤثر است. کلمن معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی در یک تعامل اجتماعی (ذهنی - عینی) خلق می‌شود و از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه‌ی انسانی را به همراه دارد (ویتتر، ۲۰۰۰: ۲).

با توجه به نظریات مطرح شده در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی خود برآیند و حاصل دویاره دیالکتیکی (ذهنیت و عینیت)، I و Me (تازگی و ماندگی)، (کنش سنتی، عقلانی) گزل‌شافت (جامعه‌سازمانی) و گمین‌شافت (اجتماع)، (جوامع سه‌تایی)، (تفکیک یافته و مدرن) و جوامع دوتایی (جوامع کمتر تفکیک یافته)، (جوامع مبتنی بر اعتماد (سنتی) و جوامع مبتنی بر مخاطره و ریسک (جوامع مدرن))، (جوامع مبتنی بر پایگاه‌های اکتسابی و جوامع مبتنی بر پایگاه‌های انتسابی)، ... همه و همه ناشی از این است که کنش انسان‌ها در بستری که تقابل بین دو انسان می‌باشد و در یک فضای ارتباطی نقش می‌بندد. بالطبع تجددگرایی در این بستر، کنش انسان‌ها را مدرن می‌کند. در زیر به نموداری که به نوعی اشاره به سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن دارد،

اشاره می‌کند. ابعادی که در نظریات پوتنام، کلمن، فوکویاما، پاکستون و... وجود دارد و در این راستا، پاکستون متذکر می‌شود که می‌توان سرمایه‌ی اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست:

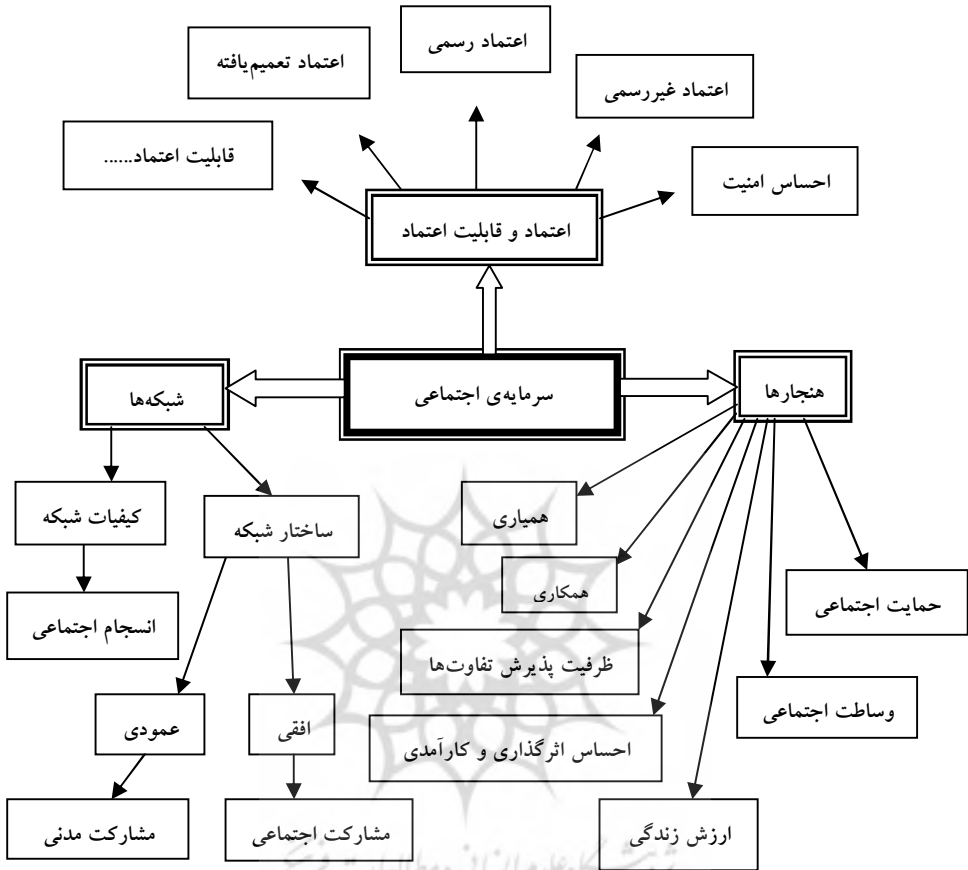
پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوطند. نوع ذهنی پیوند: یعنی پیوندهای میان افراد لازم است که ویژگی خاصی باشد. دوجانبه، مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت (همان، ۹۳).

پس پیامدهای مثبت سرمایه‌ی اجتماعی هنگامی وجود دارد که دو بعد متشکله‌ی آن همزمان و به میزان بسنده حاضر باشند. این موضوع را می‌توان در قالب جدول زیر که با تغییراتی از پاکستون (همان، ۹۳) آمده، نمایش داد:

سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی ابعاد آن

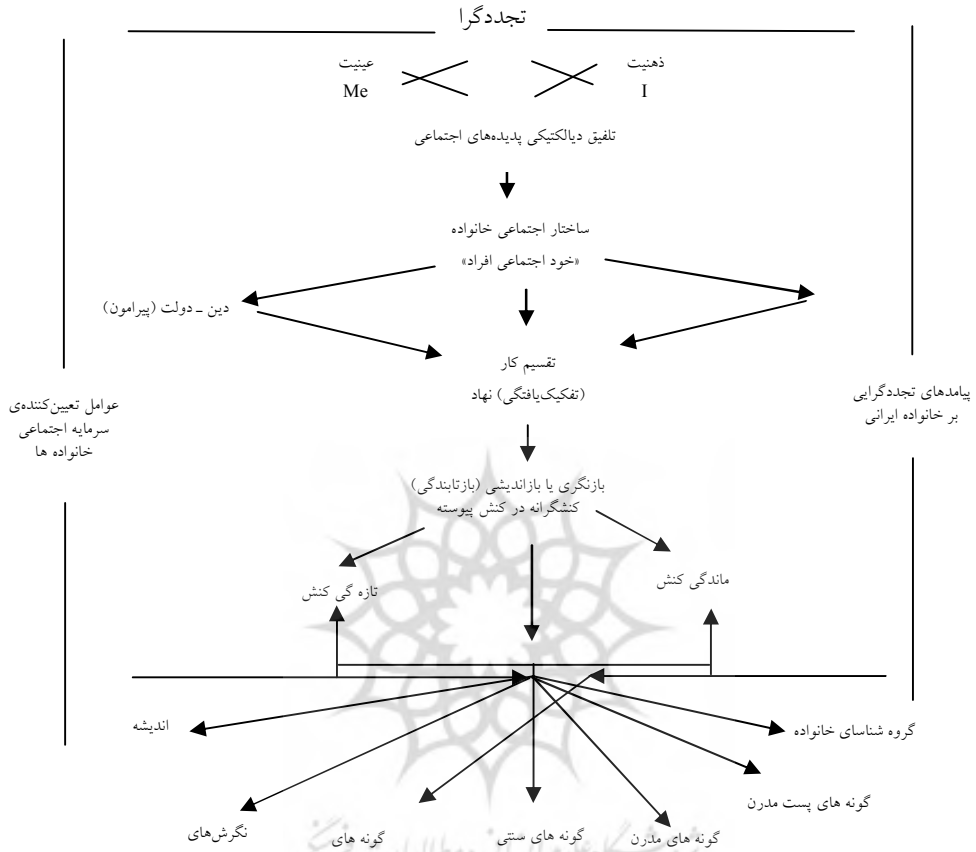
تفکیک سرمایه‌ی اجتماعی به دو بعد عینی و ذهنی و لزوم پیوند میان این دو برای ایجاد پیامدهای سودمند آن از این روست که محدودکردن مفهوم به ساختارهای عینی روابط یا ذهنیات افراد مشکلاتی را در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و اثرات آن پدید می‌آورد. ممکن است، سرمایه‌گذاری‌های دولتی نمادهایی برای گسترش روابط میان افراد یک جامعه تأسیس شود و همگان موظف به عضویت در آن شوند. اما وجود این ساختارها، بدون فراهم نمودن اعتماد و هنجارهای مشوق همکاری و عمل جمعی به تنهایی نمی‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی را در آن جامعه تشکیل دهد. این موضوع در مورد ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی نیز صادق است. اگر امکانات ایجاد شبکه‌های تعامل در قالب انجمن‌های داوطلبانه نباشد، اعتماد و هنجارهای مشوق عمل جمعی، در ذهنیت افراد جامعه به شکل آرمانی غیرعملی باقی خواهد ماند.

با توجه به استنباط از نظریات صاحب نظران در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، سه متغیر هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد که پوتنام، کلمن، پاکستون،... به آن اشاره داشته‌اند و بررسی نموده‌اند. در مبحث سرمایه‌ی اجتماعی سنجش می‌شود که در مدل زیر به ترسیم مفهومی علل و عوامل سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازیم:



مدل شماره ۱: مدل مفهومی اندازه‌گیری متغیرهای سرمایه اجتماعی

در هر صورت، در نتیجه‌گیری این رویکرد می‌توان گفت: تمامی مباحث بالا به نحوی یک رویکرد تلفیقی دیالکتیکی را نشان می‌دهد که چگونه در چالش دو پدیده اجتماعی با یکدیگر، ماحصلی به نام خود انسان یا سرمایه‌ی اجتماعی به وجود می‌آید که کنش‌های انسان را بر اساس تفسیر موقعیت، به ذهن متبادر می‌کند و به بازاندیشی می‌پردازد و در حقیقت این جریان جدل «سنت و تجدد»، «من و من اجتماعی» باز تولید آن، هزاران هزار کنش روزانه انسان‌ها است که در جریان تعاملات روزمره تبدیل به سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود، حال ممکن است این سرمایه‌ی اجتماعی مثبت یا منفی باشد و تعریف آن در گروه‌های بهنجاری و نابهنجار بر اساس سرمایه‌های اجتماعی که در ارتباطات اجتماعی خود برقرار می‌کنند، فرق می‌کند.



مدل شماره ۲: مدل نظری تحقیق مبتنی بر دیالکتیکی بودن پدیده‌های اجتماعی

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین گونه‌های تجددگرایی خانوادگی ایرانی و سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط معنی دار وجود دارد.
- ۲- تجددگرایی سنت مآبانه با حراست از سرمایه‌ی اجتماعی خانواده قرین است.
- ۳- تجددگرایی مدرن و درحال‌گذار بزرگ‌ترین تأثیر را بر کاهش سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی ایرانی به جای گذاشته است.
- ۴- تجددگرایی پسامدرن موجب افزایش سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی ایرانی می‌شود.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف موردنظر از روش کمی (پیمایش) بهره خواهیم برد.

جامعه آماری این تحقیق کلیه خانوارهای شهری تهرانی در سال ۱۳۸۷ را تشکیل می‌دهد و بنابراین واحد آماری تحقیق هر یک از خانوارهای شهری تهرانی در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. به دلیل حل مشکل فهرست و نیز کم کردن پراکندگی نمونه‌ها و هزینه، از شیوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای استفاده شده است. که در مرحله اول بلوک‌های نمونه و در مرحله دوم خانوارهای نمونه به روشی که در ادامه بدان اشاره می‌شود، انتخاب می‌شوند. در این تحقیق برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است:

$$n = \frac{Nt^2 s^2}{Nd^2 + t^2 s^2} = \frac{Nt^2 (p \cdot q)}{Nd^2 t^2 (p \cdot q)}$$

$$n_t = \frac{2267892(2/58)^2(0/5)(0/5)}{2267892(0/05)^2 + (2/58)^2(0/5)(0/5)} = 665$$

بر آورد حجم نمونه با
۱٪ و ۹۹٪ اطمینان

در این تحقیق تعداد نمونه به دست آمده به نسبت جمعیت هر منطقه بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) تقسیم و سپس تعداد بلوک نمونه محاسبه شد. تعداد نمونه در همه بلوک‌های نمونه مساوی ۴ در نظر گرفته شده است. پس از آن بلوک‌های هر منطقه به صورت سریال شماره گذاری شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، بلوک‌های نمونه به طور تصادفی بر روی نقشه بلوک‌های هر منطقه مشخص، و نقشه مناطق به همراه تعداد پرسش نامه لازم در اختیار ۲۰ نفر آمارگیر ثابت با هدایت محقق قرار گرفت.

واحد تحلیل

واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن جمع‌آوری و خصوصیات آن توضیح داده می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۴۱). بر این مبنا واحد تحلیل تحقیق حاضر را خانواده‌های تهرانی ساکن در مناطق ۲۲ گانه تهران تشکیل می‌دهد.

آزمون روایی و پایایی آن‌ها

براساس خروجی آزمون آلفای کرونباخ، ضریب این آزمون برای گویه‌های متغیر تجدیدگرایی معادل ۰/۸۵ می‌باشد که از سطح استاندارد ۰/۷ بالاتر بوده و نشان می‌دهد

که این گویه‌ها از همبستگی بالایی برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مورد نظر محسوب می‌گردند.

براساس خروجی آزمون آلفای کرباخ، ضریب این آزمون برای گویه‌های متغیر سرمایه‌ی اجتماعی هم معادل ۰/۸۶ می‌باشد که از سطح استاندارد ۰/۷ بالاتر بوده و نشان می‌دهد که این گویه‌ها نیز از همبستگی بالایی برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مورد نظر محسوب می‌گردند.

مفاهیم پژوهش

تجددگرایی^۱:

در این پژوهش «تجددگرایی» و معرف‌های آن به عنوان متغیر مستقل می‌باشد که با مقیاس شارما که تلفیقی از مقیاس‌های اسمیت، لرنر و اینکلس است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. هم‌چنین در این پژوهش با کمک مقیاس محقق ساخته شده، که برآیندی از نظریات صاحب‌نظران کلاسیک و معاصر درباره تجددگرایی می‌باشد، شاخص‌هایی تکمیلی نیز پرداخته می‌شود.

سرمایه‌ی اجتماعی^۲:

قابل ذکر است که در این پژوهش، سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار می‌گیرد. شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در سرمایه‌ی اجتماعی در این پژوهش عبارتند از:

الف) اعتماد اجتماعی

ب) شبکه‌ها

پ) هنجارها

قابل ذکر است که برای اندازه‌گیری شاخص‌های فوق از مقیاس پاتنام، جیمز کلمن و ون‌دی استون و گویه‌سازی و سایر شاخص‌های تکمیلی استفاده شده است. به عبارتی طراحی مقیاس‌هایی با توجه به بستر اجتماعی خانواده‌ی ایرانی و جامعه ایرانی برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نیاز در پژوهش حاضر مد نظر بوده است.

^۱ - Modernization

^۲ - Social Capital

یافته ها

بررسی نتایج به دست آمده نشانگر وجود و پیدایش گونه های مختلف خانوادگی است که در جامعه ایران در کنار هم زندگی می کنند. در این پژوهش چهار فرض اصلی و اساسی را بررسی کردیم و نتایج حاصل شده، حکایت از گونه های مختلف خانوادگی با سرمایه اجتماعی مختلف می باشد. درحقیقت تجددگرایی در خانواده های ایرانی وجود دارد، منتها این تجددگرایی با حفظ سنت ها در خانواده ایرانی همراه بوده است، به عبارتی خانواده های ایرانی به نوعی به تجددگرایی بومی که حفظ سنت ها را در بردارد، دست یازیدند. همچنین نتایج به دست آمده، نشانگر پیدایش خانواده های پست مدرن در جامعه ایران می باشد و در بررسی بیشتر نتایج خانواده های مدرن و در حال گذار به دلیل پیدایش مشکلات ناشی از مرحله گذار، از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردار بوده اند. به ارائه فرضیات تحقیق در جداول زیر می پردازیم. همچنین علاوه بر بررسی فرضیات تحقیق به طراحی مدل تجربی تحقیق با استفاده از نرم افزار لیزرل پرداختیم که نتایج حاصل در مدل های (T) ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β) آمده است.

فرضیه شماره ۱:

گونه سنت گرایی اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده دارد.

جدول شماره ۱. بررسی میزان اثر متغیر سنت گرایی بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
سنت گرایی	.۵۴	۱۸/۰۲	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه ی اجتماعی خانواده * $p: ۰/۰۵$ ** $p: ۰/۰۱$ (Y)

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر سنت گرایی بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۵۴) و مقدار تی به دست آمده برای این ضریب (۱۸/۰۲) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه شماره ۲:

گونه در حال گذار دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۲. بررسی میزان اثر متغیر در حال گذار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
در حال گذار	.۲۱	۱۴/۰۴	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه ی اجتماعی خانواده (Y) * $p: ۰/۰۵$ ** $p: ۰/۰۱$

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر در حال گذار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۲۱) و مقدار تی به دست آمده برای این ضریب (۱۴/۰۴) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه شماره ۳:

گونه تجدد گرایی دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۳. بررسی میزان اثر متغیر تجدد گرایی بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
تجدد گرایی	.۳۷	۱۲/۰۱	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه ی اجتماعی خانواده (Y) * $p: ۰/۰۵$ ** $p: ۰/۰۱$

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر تجدد گرایی بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۳۷) و مقدار تی به دست آمده برای این ضریب (۱۲/۰۱) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه شماره ۴:

گونه پست مدرن دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه ی اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۴. بررسی میزان اثر متغیر پست مدرن بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
پست مدرنیست	.۵۲	۱۵/۳۷	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی خانواده (Y) * p: ۰/۰۵ ** p: ۰/۰۱

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر پست مدرن بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی خانواده، می‌توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۵۲) و مقدار تی به دست آمده برای این ضریب (۱۵/۳۷) می‌باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

نتیجه‌گیری و راهکارهای تحقیق

برای اندازه‌گیری میزان تجددگرایی در خانواده‌های ایرانی، شاخص‌هایی از قبل ساخته شد و همین طور، شاخص‌هایی که مبتنی بر نظریه‌ها توسط محقق پژوهش ساخته شده است و در خانواده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشانگر این است که تجددگرایی در خانواده‌ها تأثیر گذاشته و بیشترین تأثیر را نگرش‌های جنسیتی و کمترین تغییر را باورهای مذهبی در خود پذیرفته است. به نظر می‌رسد آمارهای رسمی منتشر شده از سوی دولت-ها راجع به جمعیت، نوع روابط دختران و پسران، ازدواج و طلاق، دین، جرم و تبه‌کاری و نظایر آن، وسیله‌ای دقیق برای بررسی زندگی اجتماعی را به دست می‌دهد. به نظر پیشگامان جامعه‌شناسی طبیعت‌گرایانه، مانند دورکیم، این آمارها نمایشگر داده‌های موثقی است که برپایه‌ی آن‌ها جنبه‌های مربوط به جوامع را به گونه‌ای دقیق‌تر از زمانی که این ارقام وجود نداشت، می‌توان بررسی کرد. بنابراین داده‌های به‌دست آمده از پژوهش فوق دقیق‌تر از زمانی که هیچ سندی در دست نداشته‌ایم به ما کمک می‌کند تا بتوانیم به بررسی داده‌های به‌دست آمده پردازیم. میزان تغییر نگرش‌های جنسیتی در خانواده تهرانی با ۳۳٪ در حد بالا، ۵۶٪ در حد متوسط، و ۹٪ در حد پایین قرار گرفته است.

همچنین بررسی نتایج به‌دست آمده از سایر شاخص‌های تجددگرایی در خانواده تهرانی، نشانگر این قضیه می‌باشد که تجددگرایی در خانواده‌ها، اتفاق افتاده است، منتها تجددگرایی که میزان سرمایه اجتماعی خانواده تهرانی را هم بالا برده است، به عبارتی تجددگرایی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی، مستقیم و محکم با هم داشته‌اند، میزان

تجددگرایی در خانواده‌های سنتی و پست مدرن، توانسته است میزان سرمایه اجتماعی این دو گونه خانواده را هم بالا ببرد، در حالی که خانواده‌های در حال گذار و مدرن از میزان کمتری از سرمایه اجتماعی ناشی از تجددگرایی برخوردار بوده‌اند، یکی به عبارتی نتایجی که درباره‌ی بحران‌ها و تنش‌های خانواده‌های تهرانی مطرح می‌شود، مربوط به نوع خانواده‌های در حال گذار و مدرن می‌باشند که چون هنوز نتوانسته‌اند به نقطه‌ی ثباتی برسند، بنابراین بیشترین آسیب و بیشترین مشکلات در اینگونه خانواده‌ها به وجود آمده است. که این نتیجه به‌دست آمده از پژوهش فوق قابل توجه کارشناسان و سیاستگذاران در امور مربوط به خانواده‌ها می‌باشد.

یکی از اهداف پژوهش، گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی بود، نتایج به‌دست آمده نشانگر آن است که خانواده‌های سنتی با حراست از سنت‌ها و ارزش‌های خانوادگی و ضمن پذیرش تجدد، تلاش داشته است سنت‌های خود را حفظ کند، همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که در گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی، گونه خانواده‌های سنتی با ۶۷/۲ درصد، گونه خانواده‌های در حال گذار با ۳۰/۴ درصد، گونه خانواده‌های تجددگرا با ۱۰/۵ درصد، گونه پست مدرن با ۱۲/۹ درصد، گونه‌شناسی را به خود اختصاص داده است، نتایج فوق گویای آن می‌باشد که خانواده‌ها علیرغم تجددگرایی در نوع و سبک زندگی، همچنان دارای اندیشه سنتی هستند و در حقیقت در اندیشه (ذهنیت) سنتی و در عینیت (مدرن) هستند، خانواده‌های تهرانی براساس اندیشه‌های سنتی خود به هر نوعی اندیشه‌ی مدرن را بنا کرده‌اند و در حقیقت نوعی مدرنیته بومی و ایرانی در حال خانواده‌های ایرانی در حال شکل گرفتن است، و همچنین نتیجه تحقیق فوق، گویای آن است که راه رسیدن به مدرنیته، یک نسخه‌ی واحد جهانی نیست. بلکه هر کشوری برای رسیدن به زندگی مدرن راهی را انتخاب می‌کند، راه و روشی که براساس سنت‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های یک جامعه، یک ملت و یک دولت شکل می‌گیرد که راهی منحصر بفرد است و خاص هر جامعه‌ای می‌باشد.

نتیجه‌ی مهمی که در این تحقیق به آن دست یافته‌ایم، گونه‌شناسی خانواده پست مدرن در میان خانواده‌های تهرانی می‌باشد که ۱۲/۹ را به خود اختصاص داده است، برای رسیدن به این منظور (گونه پست مدرن)؛ به بررسی مشخصه‌های مهم دنیای پست مدرن از دیدگاه صاحب نظران پرداختیم و نتایج گویای آن می‌باشد که؛ نگرش‌هایی از نوع تجددگرایی پست مدرن در میان خانواده‌های تهرانی وجود دارد. اگرچه در واقعیت زندگی اجتماعی

ممکن است، شواهد زیادی برای این گونه از زندگی را نبینیم. اما واقعیت این است که نگرش پست مدرنیستی در اندیشه‌های مردم و خانواده‌های تهرانی و ایرانی اتفاق افتاده است، در حقیقت در شرایط کنونی، گونه‌های مختلف خانوادگی در کنار هم زندگی می‌کنند، واقعیت این است که خانواده‌ها یکسان در معرض اندیشه‌های مدرن و مدرنیزاسیون قرار ندارند و در حقیقت، تفاوت‌هایی را باید بین آن‌ها قائل باشیم. بررسی سرمایه اجتماعی خانواده‌ها گویای آن می‌باشد که:

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل لیزرل، میزان سرمایه اجتماعی گونه‌های مختلف خانواده تهرانی متفاوت می‌باشد، که در این میان گونه سنتی و پست مدرن، بیشترین سرمایه اجتماعی را داشته‌اند. در حقیقت این نتیجه، نشان دهنده این مطلب می‌باشد که خانواده‌ها به تجددگرایی سنت مآبانه در نگرش‌ها و ارزش‌های خود پرداخته‌اند که ضمن حفظ سنت‌ها، تلاش داشته‌اند که میزان سرمایه اجتماعی خود را حفظ کنند. همچنین بر اساس نتیجه به دست آمده از مدل دیگری که در لیزرل به دست آمده کلیه شاخص‌های تجددگرایی در خانواده‌ها نشان از میزان تجددگرایی در خانواده‌ها می‌باشد که نگرش‌های جنسیتی بیشترین تأثیر و باورهای مذهبی کمترین تأثیر را از تجددگرایی خانواده‌ها داشته‌اند.

راهکارها

الف- پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

راهکارها و پیشنهادهایی که در اینجا ارائه می‌شود در دو سطح خرد و کلان مطرح است که سطح خرد بیشتر مبتنی بر یافته‌های تحقیق حاضر و سطح کلان مبتنی بر ارائه راهکارهای ساختاری می‌باشد، که تا حدودی از یافته‌های تحقیق فراتر می‌رود.

با توجه به این مسأله که هر پژوهشی ضرورت دارد که بتواند راهکارهایی برای موضوع مورد بررسی خود داشته باشد، لذا در این قسمت به بررسی پیشنهادها و تحقیق می‌پردازیم.

۱- بررسی شاخص‌های تجددگرایی در خانواده‌های تهرانی نشان داد که میزان تجددگرایی در خانواده‌های تهرانی، تقریباً بر اساس نتایج بالا می‌باشد، اما این تجددگرایی دو نتیجه را به دنبال داشته است.

۱-۱- آنجا که خانواده تهرانی توانسته است رابطه‌ای منطقی میان تجدد و سنت برقرار کند و در حقیقت به حراست از سنت‌هایش بر آمده است، نه تنها سرمایه‌ی اجتماعی پایین نیامده است، بلکه در خانواده‌های سنتی، تجددگرایی با حفظ سنت همراه بوده است.

۱-۲- در جایی که خانواده تهرانی بریده از سنت‌ها و به دنبال تجدد از نوع غربی بوده است، سرمایه‌ی اجتماعی را دچار تخطی و تخریب نموده است.

بنابراین، این نتیجه به دست آمده گویای غنی بودن سنت‌ها در روابط اجتماعی خانواده‌ها می‌باشد، چرا که خانواده تهرانی تلاش بر این داشته است که نوگرایی را در فرهنگ خودش ذوب و تلفیق کند. لذا پیشنهاد می‌شود که تخریب فرهنگ غربی را در ابزارهای رسانه‌ای که همواره به نکوهش فرهنگ غرب می‌پردازند، کنار بگذارند، چرا که هر جامعه‌ای، مدرن شدن را به شیوه خود می‌آموزد و نتایج پژوهش‌ها در کشورهای مختلف گویای این مطلب می‌باشد که مدرن شدن جوامع مختلف در موقعیت‌های مختلف تاریخی صورت می‌گیرد، با توجه به آداب و سنن ملل مختلف و تجربه اجتماعی که مردم آن جامعه در آن قرار دارند.

۲- در بررسی گونه شناسی خانواده‌ها، خانواده پست مدرن توانسته است که به حراست از سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده‌ها پردازند که این نشانگر روابط عاطفی و داشتن اعتماد در میان خانواده‌های پست مدرن می‌باشد. البته تعداد محدودی خانواده پست مدرن در میان خانواده‌ها حضور دارند.

ب- پیشنهادهای اجرایی

۱- تولید برنامه‌های خانوادگی در رسانه‌ها، بدین معنا که رسانه‌ها بر روی برنامه‌های خانوادگی متمرکز شوند و در این میان آرمان‌سازی کنند.

۲- بسط اندیشه‌های اسلامی در زمینه قداست خانوادگی، بدین معنا که خانواده یک واقعیت قدسی است و لازم است که آن را پاس بداریم.

۳- طراحی پروژه‌هایی در مورد کمک‌های مالی به خانواده‌های نو سرا.

۴- جهت ارتقا و انسجام خانواده، پدیده ارزش‌های خانوادگی را پاس بداریم و به یاد داشته باشیم، که خانواده یک میراث اجتماعی است که از نیاکانمان به ما رسیده است و لذا جوانان و سایر اعضای خانواده لازم است که بدانند بزرگترین سرمایه‌ی اجتماعی، داشتن یک خانواده حامی می‌باشد و هم چنین، دانستن این نکته که این خانواده است که در برابر همه سختی‌ها و مشکلات زندگی به اعضایش کمک می‌کند و همواره پویا است و جوانان به یاد داشته باشند که این خانواده است که به عنوان یک سرمایه‌ی اجتماعی همواره مرکز اعتماد، همیاری، همکاری و تشویق اعضایش برای شرکت در شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

۵- پر رنگ کردن خانواده به عنوان یک گروه مرجع، نه هنرپیشه‌های خارجی و ایرانی.
۶- ساختن زندگی و اندیشه مدرن بر اساس سنت، به این معنا که زندگی مدرن را بر داشته‌های میراث اجتماعی نیاکانمان بسازیم، در واقع جامعه ایرانی ضمن این که سنت‌هایی مثل عید نوروز، چهارشنبه سوری، دید و بازدید از اقوام، و... را زنده نگاه دارد، در عین حال هم حرکت رو به جلو داشته باشد و به اصطلاح به دهکده جهانی مک لوهان هم پیوندد.

۷- بازتعریف ارتباطات در خانواده: بدین معنا که جامعه پذیری بزرگسالان را در خانواده بازتعریف کنیم، یعنی اجرای روش‌ها و برنامه‌هایی که رسانه به بزرگسالان پیامزد که قیاس فرزندانشان با خود و پدرانشان، امری اشتباه است و لازم است که فرزند عصر خویش بود تا ارتباط خود با جوانش در قالب امروز و بر اساس ساختار اجتماعی روز تعریف نماید. به این معنا که امروز دیگر هرم قدرت در خانواده عمودی نیست، و این گونه کار کرد می‌تواند باعث قوام روابط اعضا، و یا به نوعی بهبود سرمایه‌ی اجتماعی خانواده شود و در یک کلمه به قول تافلر امروز پایان نظام پدرسالاری در خانواده‌ها فرارسیده است.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، تهران، انتشارات دفتر مطالعاتی- انتشاراتی اجتماع.
- ۲- آزاد ارمکی، و همکاران (۱۳۷۹) بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.
- ۳- آزاد ارمکی، و همکاران (۱۳۸۶) رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، نامه علوم اجتماعی ایران، شماره پیا پی، ۳۰.
- ۴- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۵- آزکیا، مصطفی و همکاران (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی توسعه‌ی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کیهان.
- ۶- آزکیا، م و وفقاری، غ. (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان.
- ۷- استویز، ر. (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه م دامادی، تهران، انتشارات نشر مرکز.
- ۸- اعزاززی، ش. (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران.
- ۹- ینگلهارت، ر. (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه م وتر، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- ۱۰- بهنام، ج. (۱۳۷۵) ایرانیان و اندیشه تجدد، چاپ دوم، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
- ۱۱- تنهایی، ح. (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی نظری: اصول، مفاهیم، تهران، انتشارات بهمن برنا.
- ۱۲- تنهایی، ح. (۱۳۷۴) درآمدی بر مکاتب نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات مرنذیز.
- ۱۳- دوس، دی. ای (۱۳۷۶) روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، ترجمه مریم رفعت جاه‌رخساره کاظم، تهران، نشر مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- ریتزر، جرج (۱۳۷۴) بنیان‌های جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه ت آزاد ارمکی، تهران، انتشارات نشر سیمرخ.
- ۱۵- روزن باوم، ه. (۱۳۷۲) خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه م مهدوی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- شکرپیگی، ع. (۱۳۸۵) بررسی رابطه طلاق و بزهکاری فرزندان (۱۴-۱۸ ساله شهر تهران)، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال دوم، شماره اول.
- ۱۷- عنایت، ح و موجد، م (۱۳۸۲) زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن، پژوهش جهانی زنان: فصلنامه مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۲.
- ۱۸- گاردنر، آ. (۱۳۸۶) جنگ علیه خانواده، ترجمه م محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۱۹- گلدنر، آ. (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه م ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ۲۰- گلدنر، آ. (۱۳۸۴) چشم اندازهای جهانی، ترجمه م جلالی پور، تهران، انتشارات طرح نو.

۲۱- گیدنز، آ. (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ن موقیان، تهران، انتشارات نشر نی.

۲۲- گیدنز، آ، مدرنیسم به مثابه آزمونی جهانی، ترجمه غ گودرزی، فرهنگ توسعه ی، سال هفتم، شماره ۳۵ و ۳۶.

۲۳. Adler, P. & Kwon, S. (۲۰۰۰), *Social Capital: The Good, The bad, and the Ugly*, in Lesser, E. L. (Ed), *Knowledge and social capital: Foundations and Applications*, Boston, Butterworth-Heinemann.
۲۴. Baum F and Ziersch A (۲۰۰۳) Social capital. *J of Epidemiology. Community Health*. ۵۷, ۳۲۰-۳۲۳
۲۵. Bourdieu, P. (۱۹۸۶), *The Forms of Capital*, in Richardson, J. (ed), *Handbook of Theory and Research for the sociology of Education*, Green Wood Press, Westport, CT.
۲۶. Business Day. ۲۰۰۴/۱۱/۰۸, ۱۲: ۰۰: ۰۰ AM. Foreign investors are not the villains
۲۷. Coleman, J. S. (۱۹۸۸) *Social Capital in the Creation of Human Capital*, *American Journal of Sociology*, ۹۴, S۹۵-S۱۲۰.
۲۸. Coleman, J. S. (۱۹۹۸), *social capital in the creation of Human Capital*, *American Journal of Sociology*, ۹۴.
۲۹. Narayan, D. And M. F. Cassidy. (۲۰۰۱). *A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Inventory*, *Current Sociology*, ۴۹, ۲, ۵۹-۱۰۵.
۳۰. ONS (۲۰۰۱) *Social A review of the literature*. Social Analysis and Reporting Division Office for National Statistics
۳۱. Portes, A & Landolt P. (۱۹۹۶). The downside of social capital. *Am. Prospect* ۲۶: ۱۸-۲۳
۳۲. Portes, A & Sensenbrenner J. (۱۹۹۳). Embeddedness and immigration: notes of social setermination action. *AJS*. ۹۸: ۱۳۲۰-۵۰.
۳۳. Portes, A. & Londolt, P. (۱۹۹۶). *Unsolved Mysteries: The Tocqueville Files II. The Downside of social capital*, *The American Prospect*, ۷.
۳۴. Portes, A. (۱۹۹۸). »Social Capital: Its Origins and Applications in Contemporary Sociology« *Annual Review of Sociology* ۲۴: ۱-۲۴.
۳۵. Portes, A. (۱۹۹۸). *Social capital: Its Origins and Applications in Modern sociology*. *Annual Review of sociology*, ۲۴(۱).
۳۶. Putnam, R. ; Leonardi, R. & Nanetti, R. (۱۹۹۳). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, Princeton University Press.
۳۷. Putnam, R. D. (۱۹۹۵). *Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of social capital in American Community*, New York, London, simon & Schuster.
۳۸. Sabatini, F. (۲۰۰۵). *Social Capital as Social Networks: a New Framework for Measurement*, Wprking Paper No. ۸۲, Department of Public Economics, University of Rome La Sapienza.
۳۹. Sabatini, F. (۲۰۰۶). *Social capital, labour precariousness and the economic performance. An empirical assessment of the strength of weak ties in Italy*, Working Paper n. ۲۶